

## مهاجرت و تربیت فرزند دوزبانه : چالش‌ها و راهکارها<sup>a</sup>

(بخش اول)

نیلوفر کشتیاری (دکتری تخصصی روان‌شناسی زبان)

دنیا در سال‌های اخیر شاهد خیل عظیمی از مهاجران بوده است. این مهاجران از هر کجا که بیایند و مقصد نهایی‌شان هر کجا که باشد با پدیده‌ای به نام "یادگیری زبان بیگانه" مواجه هستند. پدیده‌ای که برای همه‌ی مهاجران یک ضرورت است و در عین حال بسیار چالش‌برانگیز. چه بسیار کودکان مهاجری هستند که نه تنها زبان مادری خود را به خوبی یاد نمی‌گیرند، بلکه زبان جامعه‌ی میزبان را هم شکسته بسته صحبت می‌کنند. این عدم تسلط به زبان جامعه‌ی میزبان نه تنها مشکلات فراوانی در مدرسه برای آنها به بار می‌آورد، بلکه از لحاظ روانی هم به آنها فشار زیادی وارد می‌کند. بنابراین شاید این سوال برای شما هم پیش آمده باشد: چگونه می‌توانیم کودکی دوزبانه تربیت کنیم، بدون اینکه او با این مشکلات روبرو شود؟

در این مقاله که در چند بخش ارائه می‌شود، ما ابتدا مفهوم دوزبانگی را به بیانی ساده توضیح می‌دهیم و برخی از مزایای دوزبانگی را نام می‌بریم. پس از آن تمرکز می‌کنیم بر پدیده‌ی یادگیری زبان بیگانه در خانواده‌هایی که مادر و پدر هر دو به یک زبان صحبت می‌کنند (برای مثال هر دو فارسی‌زبان هستند) و با فرزندان خردسال خود به سرزمینی جدید مهاجرت کرده‌اند، و یا پس از مهاجرت صاحب فرزند شده‌اند. در ادامه به بررسی راهکارهای مفید و نیز عوامل بازدارنده در دوزبانگی می‌پردازیم و راهکارهایی ارائه می‌دهیم که به کمک آنها می‌توانید این مسیر را با کمترین میزان خطا، طی کنید. و در پایان کار از مزایای ارزشمند دوزبانه شدن به طور مفصل صحبت می‌کنیم. البته ما فرض را بر این گذاشته‌ایم که کودک مهاجر از امکانات خوبی برای فراگیری زبان مادری‌اش برخوردار است.

فراگیری زبان (چه زبان مادری و چه زبان دوم/زبان بیگانه) روندی است پویا و پُرپیچ و خم که از عواملی همچون سن، توانایی‌های فردی، تعاملات اجتماعی و میزان تماس با زبان تاثیر می‌پذیرد. به بیان ساده، دوزبانگی<sup>b</sup> به معنی تسلط داشتن بر دو زبان متفاوت و نیز استفاده از هر دوی آنهاست. یک فرد دوزبانه می‌تواند بسیار راحت و روان به هر دو زبان صحبت کند، فکر کند و خواب ببیند. دوزبانگی مزایای متعددی دارد که از میان آنها می‌توان به افزایش توانایی‌های مغزی از جمله حافظه‌ی کوتاه مدت، بالابردن اعتماد به نفس، کمک به شکل‌گیری یک ذهنیت باز<sup>c</sup> و به دور از تعصب (که روانشناسان از آن به عنوان عامل موفقیت در زندگی، یاد می‌کنند)، به تاخیر انداختن بیماری‌هایی همچون آلزایمر و دمانس و بسیاری دیگر اشاره کرد. دوزبانگی معمولاً به دو شیوه‌ی "طبیعی" و یا "آموزشی" امکان پذیر است. در **دوزبانگی**

<sup>a</sup>نویسنده از دریافت نقد و نظرات خوانندگان درباره‌ی این نوشتار به گرمی استقبال می‌کند.

<sup>b</sup>زبان‌شناسان تعاریف و طبقه بندی‌های متفاوتی برای دوزبانگی مطرح کرده‌اند. ولی ما در این نوشتار به همین تعریف ساده ولی جامع بسنده می‌کنیم.

<sup>c</sup>مفهوم ذهنیت باز و ذهنیت بسته یا همان "....." عبارتی است که توسط کارول دوک، استاد روان‌شناسی دانشگاه استنفورد، پس از سال‌ها تحقیق بر روی مفهوم موفقیت و دستاوردهای زندگی، مطرح شده است. برای اطلاعات بیشتر در این باره می‌توانید به کتاب زیر رجوع کنید.

Dweck, C. S. (2008). *Mindset: The new psychology of success*. Random House Digital, Inc..

**طبیعی** یا **همزمان** نوزاد از ابتدای تولد و یا در طول رشد در معرض هر دو زبان قرار می‌گیرد. در نتیجه بدون هیچ‌گونه آموزش رسمی هر دو زبان را فرا می‌گیرد و می‌تواند به هر یک از دو زبان مورد نظر به راحتی صحبت کند و آنچه را که می‌شنود درک کند. **دوزبانگی آموزشی** یا **پی‌درپی** زمانی امکان‌پذیر است که کودک ابتدا زبان مادری خود را تا حد مشخصی به خوبی فراگرفته باشد، و پس از آن (کموبیش بعد از ۳ یا ۴ سالگی) برای یادگیری یک زبان دیگر آموزش ببیند.

با توجه به این دو مدل دوزبانگی طبیعی و آموزشی، پدر و مادر مهاجری که می‌خواهند فرزندی دو زبانه تربیت کنند، در قدم اول می‌بایست با توجه به شرایط و امکانات خود یکی از این دو شیوهی دوزبانگی را انتخاب کنند و سپس با برنامه ریزی و جدیت در آن مسیر حرکت کنند. البته پیش از شروع خوب است به این نکته توجه کنیم که تربیت فرزند دوزبانه کاریست بسیار پر زحمت و وقت‌گیر که در صورت موفقیت، نتایج ارزشمند آن یک عمر با کودکمان می‌ماند. اما اگر بدون آگاهی، برنامه ریزی و صرف وقت و جدیت لازم در این مسیر قدم بگذاریم، به احتمال زیاد کودکمان در معرض مشکلات متفاوتی قرار می‌گیرد. مشکلاتی همچون تاخیرزبانی (دیر زبان بازکردن)، سردرگمی زبانی (قاطی کردن دو زبان با هم)، عدم توانایی در ابراز احساسات، عدم سازگاری با محیط اطراف و نیز افت تحصیلی در مدرسه.

### **شیوهی اول: دوزبانگی طبیعی (همزمان)**

خوب است به این نکته توجه کنیم که سالهای اولیه زندگی کودک **دوران طلایی رشد** اوست. از بدو تولد تا ۳ سالگی کودک از حساسیت شنیداری بسیار بالایی برخوردار است و مغز و ذهن او درست مانند یک اسفنج هر چه را که می‌شنود (به زبان مادری و نیز دیگر زبان‌ها) جذب کرده و مانند ضبط صوت به ذهن می‌سپارد. چنانچه مایل هستید فرزندان بطور طبیعی دوزبانه بشود، لازم است او را از دوران جنینی و یا بدو تولد در معرض هر دو زبان قرار دهید.

### راهکارهای مفید:

۱- بهتر است که کودک ما هر زبان را تنها از گویشور همان زبان بشنود. برای مثال اگر پدر و مادر هر دو فارسی‌زبان هستند و تصمیم دارند کودکشان از بدو تولد، دو زبان فارسی و انگلیسی را فرا بگیرد، بهتر است که خودشان تنها و تنها به زبان فارسی با فرزندشان صحبت کنند. و برای اینکه کودکشان در معرض زبان انگلیسی قرار بگیرد می‌توانند: **(الف)** در خانه لالایی‌ها، کارتون‌ها و داستانهای صوتی انگلیسی را که توسط انگلیسی‌زبان‌ها اجرا شده برایش پخش کنند.

**(ب)** از افرادی که زبان مادریشان انگلیسیست درخواست کنند که با کودکشان به انگلیسی صحبت کنند و امکان بازی با کودکان انگلیسی‌زبان را برای کودک خود فراهم کنند (برای مثال در زمین‌بازی و مهدکودک). در واقع بهترین گزینه این است که در این دوره از رشد زبانی، کودک تنها در معرض فرم صحیح (و بدون لهجی) هر یک از دو زبان قرار بگیرد. یا به عبارتی فارسی را فقط از فارسی‌زبان‌ها بشنود و انگلیسی را فقط از انگلیسی‌زبان‌ها.

۲- نکته‌ی قابل‌توجه دیگر، مدت زمانی است که کودک می‌بایست هر روز در معرض زبان باشد. برخی متخصصان معتقد هستند که برای اینکه کودک ما مهارت دوزبانگی را به شیوه‌ی طبیعی کسب کند، ضروری است یک سوم زمان بیداری‌اش را با هر یک از دو زبان در تماس باشد. بنابراین اگر نوزادی ۱۰ ساعت از روز بیدار است، خوب است که حدود ۳ ساعت در تماس با زبان فارسی و حدود ۳ ساعت در تماس با زبان انگلیسی باشد. این تماس می‌تواند تنها در حد پخش کارتون و شعر و داستان صوتی باشد، بدون اینکه کودک توجه خاصی به آن بکند. در واقع همین که کودک در به نوعی در معرض زبان موردنظر باشد کفایت می‌کند. در همین راستا توجه کنید که صحبت کردن با کودک و شعر خواندن برای او هم راهکارهای بسیار مفیدی هستند.

۳- علاوه بر اینها، هنگامی که کودک خواب است، از پخش لالایی و شعر و داستان‌های صوتی به زبان دوم، غافل نشوید.

۴- این نکته یکی از اساسی‌ترین موارد در تربیت کودک دوزبانه است! حتما شرایطی فراهم کنید تا فرزندتان هر چندوقت یکبار زمانی را بدون حضور شما، با گویشور(ان) زبان دوم سپری کند. این کار سبب می‌شود تا کودک به مرور زمان ضرورت برقراری ارتباط به زبان دوم را حس کند. تکرار این شرایط بعد از سه سالگی (زمانی که کودک می‌تواند چند کلمه‌ای صحبت کند) بسیار مهم و ضروری است.

ادامه دارد!

## مهاجرت و تربیت فرزند دوزبانه : چالش‌ها و راهکارها

(بخش دوم)

نیلوفر کشتیاری (دکتری تخصصی روان‌شناسی زبان)

این نوشتار شرح مختصری است بر پدیده‌ی "یادگیری زبان بیگانه" در خانواده‌هایی که با فرزندان خردسال خود به سرزمینی جدید مهاجرت کرده‌اند و یا پس از مهاجرت صاحب فرزند شده‌اند. در بخش نخست این مقاله شرح دادیم که "یادگیری زبان بیگانه" برای همهی مهاجران مسیری پر پیچ و خم و در عین حال امری اجتناب‌ناپذیر است. نیز اشاره کردیم که تنها راه طی کردن این مسیر با موفقیت، آگاهی از شیوه‌های صحیح، بکارگیری تکنیک‌های مناسب و صرف وقت کافی است. سپس گفتیم که "دوزبانگی" که به معنی تسلط بر دو زبان متفاوت و نیز استفاده از هر دوی آنهاست، به دو دسته‌ی "طبیعی" و "آموزشی" تقسیم‌بندی می‌شود. و در انتها دوزبانگی طبیعی را شرح دادیم و از تکنیک‌ها و راهکارهایی صحبت کردیم که ما را در مسیر تربیت فرزند دوزبانه به شیوه‌ی "طبیعی" یاری می‌کند. اکنون در این بخش از مقاله ابتدا به بررسی عوامل بازدارنده در تربیت فرزند دوزبانه به شیوه‌ی "طبیعی" می‌پردازیم. سپس به سراغ دسته‌ی دوم دوزبانگی، که همان دوزبانگی آموزشی است می‌رویم.

### عوامل بازدارنده در دوزبانگی طبیعی:

از کارهایی که در این شیوه، مانعی سرراه دوزبانگی کودک به حساب می‌آید می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

۱- پدر و مادر فارسی‌زبان در یک موقعیت ثابت (و در یک زمان) گاهی به زبان فارسی و گاهی به زبانی دیگر (فرضا انگلیسی) با کودک خود صحبت کنند. یعنی فرضا دو جمله به فارسی بگویند و یک جمله به انگلیسی و دوباره به فارسی صحبت کنند.

۲- بدتر از آن وقتی است که پدر و مادر خودشان به زبان دوم تسلط نداشته باشند و با زبان دوم (برای مثال به زبان انگلیسی) به صورت دست‌وپاشکسته (همراه با اشتباه) با کودک خود صحبت کنند. مثلا بگویند: وات یوو آر دوو هانی؟ (به جای اینکه بگویند: وات آر یوو دووینگ هانی؟).

۳- مورد بازدارنده‌ی بعدی که متأسفانه بسیار هم شایع است، زمانی است که پدر و مادر به یک زبان مشخص صحبت می‌کنند ولی در میانه‌ی کار از چند کلمه‌ی متعلق به یک زبان دیگر استفاده می‌کنند. برای نمونه در یک جمله‌ی فارسی از چند کلمه‌ی انگلیسی استفاده می‌کنند. مثلا می‌گویند: پسرم اون بیبی رو ببین اونجا وایساده. ببین چقدر کی‌پوته! به جای اینکه بگویند، پسرم اون نی‌نی رو ببین اونجا وایساده، ببین چقدر نازه!

اینجا لازم است به این نکته توجه کنیم که کودکانی که از بدو تولد در معرض دو زبان قرار می‌گیرند، کمی دیرتر از آنچه که معمول است صحبت کردن را آغاز می‌کنند. این تأخیر کاملاً طبیعی است و هیچ جای نگرانی نیست. در این زمینه بازخوردهای منفی اطرافیان ( نظراتی مانند: بچه‌ی شما هنوز به حرف نیومده؟) را کلاً نادیده بگیرید و ثابت‌قدم در

مسیر هدفتان پیش بروید. ولی فراموش نکنید که که تکرار سه اشتباهی که در بالا از آنها نام بردیم، سبب تاخیر زبانی غیر معمول، سردرگمی زبانی و نیز بروز مشکلات جدی در رشد زبانی کودک می‌شود.

اکنون لازم است به یک باور نادرست در مورد دوزبانگی طبیعی اشاره کنیم: برخی‌ها تصور می‌کنند قراردادن کودک بطور همزمان در معرض دو زبان، آثار مخربی بر رشد توانایی‌های زبانی کودک می‌گذارد. براساس تحقیقات متخصصان در دانشگاه‌های متفاوت، این باور کاملاً اشتباه است. اشتباهی که می‌تواند از عدم آگاهی جامع نسبت به توانایی‌های ذهنی انسان و نیز سطحی‌نگری به پدیده‌ی فراگیری زبان نشأت بگیرد. در واقع اگر تاخیری جدی در رشد زبانی کودک که از بدوتولد در معرض دوزبان قرار گرفته ایجاد شود، ناشی از بکار نیستن صحیح و دقیق تکنیک‌های مفید و تکرار اشتباه‌هایی است که به عنوان عوامل بازدارنده از آن یاد می‌شود.

### شیوه‌ی دوم: دوزبانگی آموزشی (پی‌درپی)

دوزبانگی آموزشی یا پی‌درپی هنگامی میسر می‌شود که کودک زبان مادری‌اش را به خوبی فراگرفته باشد و سپس برای یادگیری زبان دوم آموزش ببیند. مهمترین تفاوت این شیوه با دوزبانگی طبیعی در این است که در دوزبانگی طبیعی، نوزاد/کودک را به طور مستقیم آموزش نمی‌دهیم، بلکه او را تنها در معرض زبان دوم قرار می‌دهیم. ولی در شیوه‌ی دوم که همان دوزبانگی آموزشی است، می‌بایست زبان دوم را به کودک آموزش داد.

#### راهکارهای مفید:

۱- بهترین زمان برای شروع آموزش سن سه تا چهار سالگی است. زیرا تا حوالی چهار سالگی بیشتر کودکان زبان مادری خود را به خوبی فرا می‌گیرند (تقریباً تمام آنچه را که به زبان مادری‌شان می‌شنوند، می‌فهمند) و از نظر ذهنی کاملاً آماده‌ی یادگیری زبان جدید هستند.

۲- اولین قدم برای شروع آموزش، ایجاد انگیزه و اشتیاق یادگیری زبان دوم در کودک است.

۳- قدم بعدی کمک گرفتن از یک معلم زبان باتجربه است. بهترین گزینه این است که کودک ما زبان دوم (برای مثال انگلیسی) را، زیر نظر یک معلم انگلیسی زبان یاد بگیرد. معلمی که بتواند با کودک به خوبی ارتباط برقرار کند، می‌تواند اشتیاق یادگیری زبان دوم را نیز در او دو چندان کند.

۴- تحقیقات نشان داده است اگر چند معلم "متفاوت" زبان دوم را به کودک آموزش بدهند و یا کودک با افراد متفاوتی که زبان مادری‌شان، زبان دوم موردنظر ماست ارتباط کلامی داشته باشد، توانایی‌های زبانی‌اش در زمینه زبان دوم در مدت کوتاهی پرورش پیدا می‌کند.

۵- فرستادن کودک به کودکانی که در آنجا "فقط" به زبان دوم (در این مثال زبان انگلیسی) صحبت می‌کنند، نقش بسزایی دارد در درک "ضرورت" یادگیری زبان دوم توسط خود کودک. درک این ضرورت توسط خود کودک و نیز نیاز به برقراری ارتباط با دیگر کودکان و مربی‌های کودکان در پیشرفت توانایی‌های زبانی کودک بسیار موثر است.

۶- عامل موثر و مهم بعدی که تاثیر معجزه‌آسایی بر کیفیت یادگیری زبان دوم دارد، ترکیب کردن آموزش زبان دوم با فعالیت‌های هنری (نقاشی، موسیقی، رقص و ...)، ورزشی و نیز بازی است. چرا که سبب می‌شود هر دو نیمکره‌ی مغز

کودک به هنگام یادگیری زبان فعال شوند. چنین کاری نه تنها روند یادگیری زبان را لذتبخش و هیجان‌انگیز می‌کند، بلکه سرعت پیشرفت کودک و کیفیت یادگیری زبان را هم بالا می‌برد. بنابراین پیشنهاد می‌کنیم در این مسیر از معجزه‌ی بازی و فعالیت‌های هنری غافل نشوید.

۷- داشتن همبازی‌هایی که زبان مادریشان زبان دوم مورد نظر ماست، تماشای کارتون و گوش دادن به داستان‌های صوتی (به زبان دوم) هم می‌تواند مکمل بسیار خوبی در خانه برای آموزش زبان دوم باشد. در این زمینه می‌توانید از کارتون‌های طبقه‌بندی شده که با هدف آموزش زبان به کودکان تولید شده‌اند نیز کمک بگیرید.

ادامه دارد!

## مهاجرت و تربیت فرزند دوزبانه : چالش‌ها و راهکارها

(بخش پایانی)

نیلوفر کشتیاری (دکتری تخصصی روان‌شناسی زبان)

این نوشتار شرح مختصری است بر پدیده‌ی "یادگیری زبان بیگانه" در خانواده‌هایی که با فرزندان خردسال خود به سرزمینی جدید مهاجرت کرده‌اند و یا پس از مهاجرت صاحب فرزند شده‌اند. در دو بخش پیشین این مقاله، شرح دادیم که "یادگیری زبان بیگانه" برای همه‌ی مهاجران مسیری پر پیچ‌وخم و در عین حال امری اجتناب‌ناپذیر است. نیز اشاره کردیم که تنها راه طی کردن این مسیر با موفقیت، آگاهی از شیوه‌های صحیح، بکارگیری تکنیک‌های مناسب و داشتن پشتکار و صرف وقت است. سپس گفتیم که "دوزبانگی" که به معنی تسلط بر دو زبان متفاوت است، به دو دسته‌ی "طبیعی" و "آموزشی" تقسیم‌بندی می‌شود. دوزبانگی طبیعی و آموزشی را شرح دادیم و از تکنیک‌ها و راه کارهایی صحبت کردیم که ما را در مسیر تربیت فرزند دوزبانه به شیوه‌ی "طبیعی" و "آموزشی" یاری می‌کند. اکنون در بخش پایانی این مقاله ابتدا به عوامل بازدارنده در تربیت فرزند دوزبانه به شیوه‌ی "آموزشی" می‌پردازیم. سپس به سراغ مزایای دوزبانگی می‌رویم.

بیشتر گفتیم که دوزبانگی آموزشی یا پی‌درپی هنگامی میسر می‌شود که کودک ابتدا زبان مادری‌اش را به خوبی فراگرفته باشد، سپس از حوالی سن چهارسالگی برای یادگیری زبان دوم آموزش ببیند.

### عوامل بازدارنده در دوزبانگی آموزشی:

- از کارهایی که در این شیوه، مانعی سرراه دوزبانگی کودک به حساب می‌آید می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:
- ۱- مجبور کردن کودک به یادگیری زبان دوم، بدون اینکه ابتدا انگیزه و اشتیاق این کار را در او ایجاد کنیم.
  - ۲- سرکوفت زدن به کودک هنگام مقایسه‌ی توانمندی‌های زبانی او با دیگر هم‌سن‌وساله‌هایش.
  - ۳- پخش یک کارتون و یا حتی یک قسمت از یک مجموعه‌ی کاتونی به زبان مادری و پخش همان کارتون به زبان دوم.
  - ۴- پخش کارتون‌هایی که از نظر سنی برای کودک مناسب نیستند. منظور کارتون‌هایی است که کودک توان درک وقایع آن را ندارد.
- همه‌ی این چهار مورد انگیزه‌ی کودک برای یادگیری زبان دوم را کم می‌کند.
- ۵- عامل بازدارنده‌ی شماره ۲ و ۳ در دوزبانگی طبیعی، می‌تواند در دوزبانگی آموزشی هم به عنوان عامل بازدارنده عمل کند.
  - ۶- یادگیری زبان دوم یک روند طولانی مدت است و مستلزم صبر و حوصله و پی‌گیری. عدم پی‌گیری‌های لازم و نیز عدم جدیت پدر و مادر در فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش زبان دوم در درازمدت هم، از جمله عوامل بازدارنده در این مسیر به حساب می‌آید.

تا این بخش از مقاله به بررسی انواع دوزبانگی و راهکارهای مفید و عوامل بازدارنده در این مسیر پرداختیم. اکنون وقت آن رسیده است که به برخی از مزایای دوزبانگی هم نگاهی بکنیم.

- زبان اول کودک شکل دهنده‌ی بخشی از هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی اوست. بنابراین فراگیری زبان اول /زبان مادری یک ضرورت انکارناپذیر است. اما زبان دوم که خود پنجره‌ای است رو به یک فرهنگ جدید با آداب و رسوم متفاوت، افق‌دید کودک را گسترش می‌دهد و به او کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی منعطف باشد، از زاویای متفاوت یک قضیه را بررسی کند و راه حل‌های موثرتری پیدا کند. به بیانی، دوزبانگی می‌تواند با خود غنای فرهنگی و نیز خلاقیت به همراه بیاورد.
- همچنین از دیگر مزایای دوزبانگی می‌توان به کسب مهارت‌های اجتماعی-احساسی اشاره کرد. دوزبانگی کمک می‌کند کودکان پیوند محکمتری با خانواده، فرهنگ و جامعه‌ی خود برقرار کنند. این پیوندها کلیدهای شکل‌گیری هویت در کودکان هستند.
- کودکان دوزبانه بیشتر بر احوالات خود کنترل دارند، که این خود یکی از نمایه‌های موفقیت در مدرسه و سپس در جامعه است.
- مغز همچون ماهیچه‌ای است که فراگیری/یادگیری زبان دوم آن را تمرین می‌دهد و تقویت می‌کند. دوزبانگی با تحریک سلول‌های عصبی و ایجاد شبکه‌های نورونی جدید، توانایی‌های مغزی و عملکرد ذهنی را افزایش می‌دهد و حافظه‌ی کوتاه مدت را تقویت می‌کند.
- به واسطه‌ی گسترش شبکه‌های نورونی در مغز، دوزبانگی می‌تواند تاحدی به عنوان مانعی سرراه نگرش‌های متعصبانه عمل کند. به عبارتی دوزبانگی به درک و پذیرش تفاوتها (یا همان شکل‌گیری یک ذهنیت باز و منعطف در انسان) کمک می‌کند. ذهنیتی که به عنوان عاملی بس تاثیرگذار در ساختن یک زندگی موفق شناخته می‌شود.
- آثار مثبت دوزبانگی بر فعالیت‌های مغزی انسان در یک بازه‌ی زمانی گسترده (از دوران کودکی تا کهنسالی) نمایان می‌شود.
- دوزبانگی می‌تواند بروز بیماری‌هایی همچون آلزایمر و دمانس (تحلیل توانایی‌های مغزی) در سنین کهنسالی را به تعویق بیندازد. علاوه بر این، دوزبانگی می‌تواند روند بهبود بیماران پس از سکته‌ی مغزی را نیز سرعت بخشد.

در پایان امیدواریم این نوشتار که تلاشی بود برای آشنایی با مفهوم دوزبانگی و ارائه‌ی راهکارهایی برای تربیت فرزند دوزبانه به بیانی ساده، توانسته باشد انگیزه‌بخش و راهنمای پدر و مادرهای مهاجر در تربیت فرزندانی دوزبانه باشد.



- Baker, C. (2007). A parents' and teachers' guide to bilingualism. Clevedon, UK: Multilingual Matters.
- Butler, G. Y. and K. Hakuta (2006), Textbooks Bilingualism and Second Language Acquisition',
- Diaz, R. (1985). The intellectual power of bilingualism. In Southwest Hispanic Research Institute, Second language learning by young children. Albuquerque, NM: University of New Mexico.
- Hakuta, K. (1986). Mirror of Language, The Debate on Bilingualism, New York. Basic Books.
- Hamers, J. F. and M. H. A. Blanc (2001). Bilinguality and Bilingualism, Cambridge: Cambridge University.
- Harding-Esch, E., & Riley, P. (2003). The Bilingual Family: A Handbook for Parents. 2nd ed. Cambridge University Press.
- Hirst, Terri. The Importance of Maintaining a Child's First Language. British International School. Web. 17 Apr 2013
- Keysar, B., Hayakawa, S. L., & An, S. (2011). The foreign-language effect: Thinking in a foreign tongue reduces decision biases. *Psychological Science*, 23, 661–668. doi:10.1177/0956797611432178
- Kovács, A. M., & Mehler, J. (2009). Cognitive gains in 7-month-old bilingual infants. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 106(16), 6556–6560.
- Kovács Á. M. (2009). Early bilingualism enhances mechanisms of false-belief reasoning. *Dev Sci* 12:48–54.
- Malmkjær, K. (2009). *The Routledge linguistics encyclopedia*. Routledge.
- Petitto, L. A., Katerelos, M., Levy, B. G., Gauna, K., Tétreault, K., & Ferraro, V. (2001). Bilingual signed and spoken language acquisition from birth: Implications for the mechanisms underlying early bilingual language acquisition. *Journal of child language*, 28(2), 453-496.
- Zelasko, N., & Antunez, B. (2000). If your child learns in two languages. National Clearinghouse for Bilingual Education. Retrieved from [http://www.ncela.gwu.edu/files/uploads/9/If Your Child LearnsInTwoLangs\\_English.pdf](http://www.ncela.gwu.edu/files/uploads/9/If Your Child LearnsInTwoLangs_English.pdf)

لطفاً ..... در پاورقی سوم صفحه‌ی اول را با عبارت  
fixed mindset, growth mindset جایگزین کنید.